



مفهوم‌پردازی «بعثت مردم» در حکمرانی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر

اندیشه امام سید مجتبی خامنه‌ای (حفظه‌الله)

اسماعیل کلاتری^۱، علی شیرازی^۲

۳۸

دوره ۱۴، شماره ۲، پیاپی ۳۸
تابستان ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۵-۰۲-۰۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۵-۰۶-۰۷

صص: ۷۳-۵۳

شابا جایی: ۲۳۲۹-۵۵۹۹

اسکن کنید



چکیده

هدف پژوهش حاضر، مفهوم‌پردازی «بعثت مردم» به مثابه نعمت عظمی در حکمرانی جمهوری اسلامی ایران، مبتنی بر اندیشه حضرت آیت‌الله امام سید مجتبی خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی است. پژوهش از نظر هدف، بنیادی و از نظر رویکرد، کیفی و در گستره پارادایم تفسیری انجام شده و برای دستیابی به هدف پژوهش از راهبرد نظریه برخاسته از داده‌ها با رویکرد نظام‌مند اشتراوس و کوربین بهره گرفته است. داده‌های پژوهش شامل کلیه پیام‌های مکتوب ایشان پس از انتخاب به عنوان رهبر انقلاب اسلامی تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۱/۳۱، مشتمل بر ۱۶ پیام، بوده که با روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش در قالب ۱۷ مفهوم میانی و مدل پارادایمی «بعثت مردم» صورت‌بندی شد. بر اساس یافته‌ها، «بعثت مردم به مثابه نعمت عظمای الهی» مقوله محوری پژوهش است که در شرایط علی مرتبط با جایگاه مردم در اقتدار حکمرانی، بعثت معرفتی و پشتوانه معنوی مردم، و در بستر امت‌سازی، اخوت و مواسات اجتماعی و هویت و سرمایه تمدنی ایران اسلامی شکل می‌گیرد. ابتلا و صیانت از گفتمان انقلاب اسلامی نیز به عنوان شرایط مداخله‌گر، مسیر این فرایند را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در چنین شرایطی، حکمرانی هم‌آموز با مردم، پیش‌برندگی پیشرفت، کنش تمدن‌ساز، استقامت و حماسه‌سازی تمدنی و بسیج ظرفیت‌های ملی، راهبردهای تحقق بعثت مردم را تشکیل می‌دهند. پیامد این فرایند نیز در قالب اقتدار مردم‌بنیان، غلبه جبهه حق بر استکبار و تحقق افق تمدنی بعثت مردم تبیین شد. بر این اساس، «بعثت مردم» را می‌توان فرایندی چندسطحی دانست که مردم را از عنصر حاضر در حکمرانی به فاعل آگاه، مسئول، مقاوم و تمدن‌ساز ارتقا می‌دهد.

واژگان کلیدی:

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، بعثت مردم؛ مفهوم پردازی؛ امام سید مجتبی خامنه‌ای؛ حکمرانی مردمی؛

۱. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول). esmaeelkalantari@yahoo.com

۲. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.



۱. مقدمه و بیان مسئله

با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل حکمرانی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی، جایگاه مردم در نظام حکمرانی، به گونه‌ای غیرقابل مقایسه با نظام‌های حکمرانی پیشین، ارتقا یافت (برزگر، ۱۳۹۳: ۱۲). حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران را نمی‌توان صرفاً در چارچوب ساختارهای رسمی قدرت و رابطه یک‌سویه دولت و شهروندان فهم کرد؛ بلکه جایگاه و نقش مردم در فرایند اداره امور عمومی، از مؤلفه‌های اساسی این نظام سیاسی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از یک‌سو در اصل ششم، اداره امور کشور را متکی به آرای عمومی می‌داند و از سوی دیگر، در بند ۸ اصل سوم، «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش» را از وظایف دولت برمی‌شمارد. همچنین، اصل هفتم شوراها را از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشور معرفی می‌کند و اصل یکصدم، اداره امور اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی و آموزشی در سطح محلی را مبتنی بر همکاری مردم و شوراهای منتخب آنان قرار می‌دهد (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸). از این‌رو، مردم در جمهوری اسلامی فقط موضوع و مخاطب تصمیمات حکمرانی نیستند، بلکه در سطوح مختلف تعیین سرنوشت، تصمیم‌گیری و اداره امور عمومی، واجد نقش و مسئولیت‌اند. این برداشت را می‌توان در ادبیات حکمرانی اسلامی نیز پیگیری کرد (ترابی کلاته قاضی، ۱۴۰۰: ۱۷۵).

در ادبیات مربوط به حکمرانی جمهوری اسلامی ایران، نقش مردم را نمی‌توان به حضور ایشان در ساختارهای رسمی سیاسی یا مشارکت انتخاباتی محدود کرد. در این چارچوب، مشارکت اجتماعی می‌تواند در عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تحقق یابد و از این طریق، بخشی از ظرفیت اجتماعی جامعه را برای پیشبرد اهداف تمدنی فعال سازد. مطالعه نقش مشارکت اجتماعی در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی نیز نشان می‌دهد که مشارکت مردمی را می‌توان در نسبت با فرایند تمدن‌سازی مورد توجه قرار داد و آن را فراتر از یک کنش صرفاً سیاسی فهم کرد (رشیدی آل‌هاشم و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۸۰-۲۱۷). در همین راستا ادبیات مربوط به حکمرانی مردمی و حلقه‌های میانی نیز بر امکان نقش‌آفرینی کنشگران مردمی در میان جامعه و ساختارهای رسمی تأکید می‌کند؛ به گونه‌ای که حل مسائل عمومی و پیشبرد امور اجتماعی الزاماً منحصر به نهادهای رسمی حکومت باقی نمی‌ماند (ربیعی و سیاوشی، ۱۴۰۱: ۱۳۴). بنابراین می‌توان از یک طیف مفهومی سخن گفت که در یک سوی آن «حضور» به معنای بودن و ظهور اجتماعی مردم قرار دارد، در سطحی فراتر «مشارکت» به معنای ورود مردم به فرایندهای جمعی و عمومی قرار می‌گیرد و در سطحی بالاتر، «فاعلیت» به معنای برخورداری از ظرفیت اثرگذاری و نقش‌آفرینی فعال در فرایندهای اجتماعی و حکمرانی مطرح می‌شود. از این منظر، مسئله اساسی دیگر صرفاً «میزان مشارکت مردم» نیست، بلکه کیفیت، عمق و جهت‌گیری فاعلیت آنها است.

این تمایز هنگامی اهمیت بیشتری می‌یابد که نقش مردم در افق تمدن نوین اسلامی مورد توجه قرار گیرد. پژوهش‌های مرتبط با مشارکت مردمی در تمدن نوین اسلامی نشان داده‌اند که مشارکت، هنگامی که در پیوند با ارزش‌های دینی و اهداف تمدنی قرار می‌گیرد، می‌تواند از سطح یک سازوکار سیاسی فراتر رفته و به یکی از ظرفیت‌های تحقق تمدن تبدیل شود (رشیدی آل‌هاشم و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۸۰-۲۱۷). از این منظر، بعثت مردم در پژوهش حاضر به‌عنوان تعبیری برای اشاره به سطحی فراتر



از حضور و مشارکت متعارف مطرح می‌شود؛ سطحی که در آن مردم، نه تنها به‌عنوان دریافت‌کننده سیاست‌ها یا مشارکت‌کننده در فرایندهای موجود، بلکه به‌مثابه فاعلانی آگاه، مسئول، مقاوم و برخوردار از افق تمدنی ظاهر می‌شوند. در این برداشت، بعثت ناظر به فعال‌شدن ظرفیت‌های درونی و اجتماعی مردم برای پذیرش مسئولیت، مواجهه فعال با مسائل، کنشگری و نقش‌آفرینی در تحقق اهداف متعالی جامعه است. البته ابعاد و مؤلفه‌های دقیق این مفهوم در پژوهش حاضر از پیش مفروض گرفته نمی‌شود؛ بلکه از طریق تحلیل نظام‌مند پیام‌های مورد مطالعه و در فرایند کدگذاری و مفهوم‌پردازی، بازسازی و تبیین خواهد شد.

پژوهش حاضر در پاسخ به این مسئله، با اتکا به مجموعه پیام‌های مکتوب مورد مطالعه و با بهره‌گیری از راهبرد نظام‌مند نظریه برخاسته از داده‌ها، در پی آن است که از خلال فرایند کدگذاری و برقراری روابط میان مقولات، مفهوم «بعثت مردم» را بازسازی و مفهوم‌پردازی کند. از این منظر، بعثت مردم در پژوهش حاضر از پیش به‌عنوان مترادف مشارکت، سرمایه اجتماعی یا حکمرانی مردمی تعریف نمی‌شود؛ بلکه مفهومی است که باید از نسبت میان مجموعه مضامین موجود در داده‌ها و روابط میان آنها برآید. در پژوهش حاضر، مجموعه پیام‌های مکتوب حضرت آیت‌الله امام سید مجتبی خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی پس از انتخاب ایشان به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی، که تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۱/۳۱ در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر ایشان منتشر شده و مشتمل بر ۱۶ پیام است، به‌عنوان داده‌های اصلی پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. اهمیت این مجموعه برای پژوهش حاضر از آن جهت است که پیام‌های مکتوب، به‌عنوان بیانات رسمی و مکتوب رهبر انقلاب اسلامی، حاوی مضامین و جهت‌گیری‌هایی درباره مسائل اساسی نظام اسلامی، جامعه، مردم، مسئولیت‌های اجتماعی و مسیر پیش روی جمهوری اسلامی هستند و از این حیث می‌توانند زمینه مناسبی برای مطالعه کیفیت نقش‌آفرینی مردم در منظومه فکری مورد بررسی فراهم آورند. بنابراین، انتخاب این پیام‌ها به‌عنوان داده پژوهش، نه بر اساس فرض از پیش تعیین‌شده درباره مؤلفه‌های «بعثت مردم»، بلکه بر مبنای ظرفیت آنها برای آشکار ساختن مفاهیم و روابطی است که در فرایند تحلیل داده‌ها ظهور می‌یابند.

مرور ادبیات نشان می‌دهد نقش مردم در جمهوری اسلامی ایران از منظرهای گوناگون، از جمله مردم‌سالاری دینی، مشارکت سیاسی و اجتماعی، حکمرانی مردمی، سرمایه اجتماعی و نقش‌آفرینی مردم در فرایند تمدن‌سازی، مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. با این حال، در حد بررسی انجام‌شده، مفهوم بعثت مردم به‌عنوان یک مفهوم منسجم و دارای شبکه‌ای از روابط میان شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها، به‌صورت مستقل مفهوم‌پردازی نشده است. به‌ویژه، صورت‌بندی یک مدل نظری که بتواند کیفیت خاصی از فاعلیت مردم را در نسبت با حکمرانی جمهوری اسلامی ایران و در افق تمدن نوین اسلامی توضیح دهد، همچنان نیازمند بررسی است. از این منظر، خلأ پژوهش حاضر صرفاً فقدان مطالعات درباره مردم یا مشارکت مردم نیست؛ بلکه فقدان یک صورت‌بندی مفهومی و نظری منسجم از بعثت مردم و روابط میان مؤلفه‌های آن است. همین خلأ، ضرورت بازگشت به داده‌های اصیل و تلاش برای کشف مقولات و روابط میان آنها را توجیه می‌کند.

۲. مبانی نظری و مرور پیشینه

۲-۱. مبانی نظری



مفهوم مردم در اندیشه سیاسی جمهوری اسلامی ایران را نمی‌توان مستقل از نسبت میان حاکمیت الهی، اراده عمومی و سازوکارهای نظام اسلامی فهم کرد. در این چارچوب مردم نه در معنای حاکمیت مطلق انسان بر انسان، بلکه در چارچوب مبانی و غایات دینی، در تعیین سرنوشت اجتماعی خویش نقش‌آفرینی می‌کنند. بر این اساس فهم دقیق جایگاه مردم در منظومه حکمرانی اسلامی نیازمند تفکیک سطوح تحلیلی و تبیین مرزهای مفهومی میان چهار سازه نظری مرتبط یعنی «مردم‌سالاری دینی»، «حکمرانی مردمی (مردم‌پایه)»، «جامعه‌پردازی» و «بعثت مردم» است:

نخستین سازه، مردم‌سالاری دینی است که در سطح مشروعیت و ساختار حقوقی-سیاسی معنا می‌یابد و ناظر بر صورت‌بندی الگوی کلان فلسفی-حقوقی نظام سیاسی است. نقیبی (۱۳۹۷: ۱۱۵) با تبیین مبانی مردم‌سالاری دینی، حاکمیت انسان بر سرنوشت اجتماعی خویش را در زمره حقوق بنیادین دانسته و تأکید می‌کند این حق در چارچوب اصول و مقاصد اسلامی اعمال می‌شود. از این منظر مردم‌سالاری دینی حاصل جمع ساده دین و مردم‌سالاری متعارف نیست، بلکه الگویی است که اعمال اراده اجتماعی مردم را با چارچوب هنجاری اسلام پیوند می‌زند و از طریق اصولی چون شورا، بیعت، وکالت، امر به معروف و نهی از منکر عینیت می‌یابد (نقیبی، ۱۳۹۷: ۱۲۰). در سطح ساختار حقوق اساسی نیز حق‌منش (۱۴۰۴: ۲۷۵-۲۸۶) نشان می‌دهد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سازوکاری برای هماهنگ‌سازی مشارکت مردم با مبانی دینی از طریق نهادهایی چون انتخابات، شوراها، مجلس و نظارت عمومی تعبیه کرده است؛ امری که حاکی از اصالت و رسمیت حضور مردم در ساخت سیاسی است. افزون بر این امیدی و محسنی (۲۰۲۳: ۸) در تبیین نگرش توحیدی به این الگو نشان می‌دهند نقش مردم در مشروعیت‌بخشی به حکومت، نه صرفاً در معنای مقبولیت جامعه‌شناختی، بلکه در قالب حقانیت و در نگرشی طولی نسبت به حاکمیت الهی صورت‌بندی می‌شود؛ به گونه‌ای که اراده مردم، رکنی تبعی در طول اذن و حاکمیت اصالی خداوند به شمار می‌رود. سازه دوم، حکمرانی مردمی است که چارچوب حقوقی فراتر رفته و به حوزه روش‌ها و سازوکارهای اداره کشور مربوط می‌شود. در ادبیات حکمرانی جمهوری اسلامی، نقش مردم صرفاً به مشارکت پای صندوق‌های رأی محدود نمی‌شود، بلکه بر بالفعل ساختن نظام سیاسی، مشورت‌دهی، نظارت و مدیریت اجرایی دلالت دارد (حق‌منش، ۱۴۰۴: ۲۷۵). در این ساحت، حکمرانی مردمی یا مردم‌پایه به مثابه ترتیبات و الگوهایی تعریف می‌شود که طی آن ظرفیت‌ها و سرمایه‌های اجتماعی مردم برای حل مسائل عمومی، سیاست‌گذاری اجرایی و ارتقای کارآمدی نظام اداری و اجرایی کشور به میدان آورده می‌شود. تمایز این سطح با مردم‌سالاری دینی در آن است که اگر مردم‌سالاری دینی بستر شکل‌گیری ساختار سیاسی را فراهم می‌کند، حکمرانی مردمی ناظر بر سازوکارهای عملیاتی اداره، کارآمدسازی و حل مسائل کشور با اتکا به ظرفیت‌های مردمی است.

سازه سوم، جامعه‌پردازی است که در سطح گذار از نقش‌های سیاسی و مدیریتی به ساختاریافتگی اجتماعی و تمدن‌سازی معنا می‌یابد. محمودپناهی (۱۴۰۲: ۹-۳۲) در بررسی الگوی جامعه‌پردازی نظام مردم‌سالاری دینی بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، این فرایند را فراتر از الگوی دولت-ملت غربی و در قالب حرکت به سوی الگوی ملت-امت اسلامی تبیین می‌کند. در این الگو پیشرفت همه‌جانبه، تقویت هم‌زمان هویت ملی و اسلامی، بسط عدالت، مبارزه با فساد و ایجاد اجماع امت، عناصر اساسی جامعه‌پردازی محسوب می‌شوند که زمینه را برای تأسیس تمدن نوین اسلامی فراهم می‌آورند. هاشمی و دشتی



(۱۴۰۳: ۶۹) نیز پیوند میان مردم‌سالاری دینی و افق تمدنی را از خلال شاخص‌های تاریخی و حرکت به سوی افق‌های بلندمدت بررسی کرده و مردم‌سالاری را ظرفیتی برای ساخت جامعه مطلوب معرفی می‌کنند. نقیبی (۱۳۹۷: ۱۱۶) نیز با تأکید بر اینکه تمدن نه صرفاً از طریق ساختارهای رسمی بلکه از مجرای ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی تحقق می‌یابد، مردم‌سالاری دینی را مبدأ و مدخل تمدن نوین اسلامی برمی‌شمارد. بنابراین، جامعه‌پردازی بر فرایند نهادسازی، ساخت‌یابی نظامات اجتماعی و تکوین روابط امت-امامت در افق تمدن نوین اسلامی دلالت دارد.

برآیند مباحث فوق نشان می‌دهد که اگرچه ادبیات موجود مفاهیمی چون مشروعیت سیاسی (مردم‌سالاری دینی)، اداره جامعه (حکمرانی مردمی) و تکوین ساختارهای اجتماعی (جامعه‌پردازی) را پوشش داده است، اما همچنان از تبیین چگونگی تبدیل توده‌ها به یک فاعل اجتماعی خودانگیخته، آگاه، مسئول و تمدن‌ساز بازمی‌ماند. در این نقطه است که ضرورت و تمایز مفهوم‌پردازی بعثت مردم آشکار می‌شود. بعثت مردم نه مترادف مشارکت سیاسی یا مردم‌سالاری دینی است، نه صرفاً معادل روش‌های حکمرانی مردم‌پایه و نه خود فرایند جامعه‌پردازی؛ بلکه به مثابه فرایندی تحولی، معرفتی و انفسی تعریف می‌شود که طی آن، ظرفیت‌های فطری، انسانی و اجتماعی جامعه برانگیخته شده و توده‌ها از وضعیت پذیرندگی یا مشارکت تبعی، به فاعلیت فعال و قیام‌گونه ارتقا می‌یابند. بعثت مردم در واقع روح محرک و نیروی پیش‌ران است که به ساختارهای مردم‌سالاری دینی جان می‌بخشد، کارآمدی حکمرانی مردمی را تضمین می‌کند و موتور محرک فرایند جامعه‌پردازی به شمار می‌آید. این صورت‌بندی مفهومی که برآمده از تحلیل داده‌های پژوهش حاضر است، سطح تحلیل را از حضور صرف مردم در حکومت به فاعل‌شدن و جوشش ایمانی آنان در پیشبرد نظم تمدنی ارتقا می‌دهد.

۲-۲. مرور پیشینه

مرور پژوهش‌های انجام‌شده درباره جایگاه مردم در نظام جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که مسئله مردم، از زوایای گوناگون در ادبیات علمی مورد توجه قرار گرفته است. بخشی از این مطالعات، مسئله را در چارچوب نظری مردم‌سالاری دینی بررسی کرده و کوشیده‌اند نسبت میان اراده مردم و مبانی دینی نظام سیاسی را تبیین کنند. در این رویکرد، مردم‌سالاری دینی صرفاً به معنای اقتباس از سازوکارهای دموکراسی نیست، بلکه بر مبانی متفاوتی درباره انسان، جامعه، حاکمیت و غایت زندگی اجتماعی استوار است. در مقاله «طراحی الگوی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی مردم‌سالاری دینی در مقایسه با الگوی لیبرال دموکراسی» نیز مسئله دقیقاً از همین منظر بررسی شده و نویسندگان با استخراج مؤلفه‌های فلسفه سیاسی امام خمینی (ره)، مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، اجتماعی و حقوقی مردم‌سالاری دینی را از مبانی لیبرال‌دموکراسی متمایز کرده‌اند. از منظر این مطالعه، در مردم‌سالاری دینی، اراده انسان در چارچوب و در طول حاکمیت الهی معنا می‌یابد و غایات زندگی اجتماعی نیز صرفاً به خواست فردی انسان فروکاسته نمی‌شود (دللی، ۱۳۹۳: ۸۱-۹۵). این دسته از مطالعات برای پژوهش حاضر اهمیت دارد؛ زیرا نشان می‌دهد که برای فهم جایگاه مردم در جمهوری اسلامی، نمی‌توان صرفاً از الگوهای متعارف مشارکت سیاسی استفاده کرد و لازم است نقش مردم در چارچوب مبانی ارزشی و غایات نظام اسلامی فهم شود.



در کنار این رویکرد، گروهی از مطالعات مستقیماً به مسئله مشارکت مردم پرداخته‌اند. در این آثار، مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم در نظام اسلامی موضوع تحلیل قرار گرفته و تلاش شده مبانی و الزامات این مشارکت تبیین شود. برای نمونه معمار (۱۳۸۶: ۹۷) در پژوهش خود تفاوت مبانی انسان‌شناختی مشارکت سیاسی را در دو الگوی لیبرال دموکراسی و مردم سالاری دینی از منظر امام خمینی (ره) مورد توجه قرار داده است. اهمیت این دسته از مطالعات برای پژوهش حاضر در آن است که نشان می‌دهد مشارکت مردم در جمهوری اسلامی را نمی‌توان صرفاً یک رفتار سیاسی یا یک سازوکار نهادی تلقی کرد؛ بلکه این مشارکت به تلقی خاصی از انسان و مسئولیت او در جامعه وابسته است. با این حال، مفهوم مشارکت، حتی هنگامی که بر مبانی دینی و انسان‌شناختی آن تأکید می‌شود، هنوز لزوماً بیانگر تمام ظرفیت مورد نظر پژوهش حاضر نیست؛ زیرا پرسش پژوهش حاضر فقط این نیست که مردم چگونه مشارکت می‌کنند، بلکه این است که چه شرایطی موجب برانگیختگی و فعال شدن ظرفیت‌های مردم و تبدیل آنان به فاعلان مؤثر در حکمرانی و تحول اجتماعی می‌شود.

دسته دیگری از مطالعات، یک گام از مشارکت سیاسی فراتر رفته و مسئله مردم را در قالب حکمرانی مردم‌پایه بررسی کرده‌اند. از جمله، مقاله مبانی حکمرانی مردم‌پایه از منظر امام خمینی با تأکید بر حوزه آموزش مستقیماً مفهوم حکمرانی مردم‌پایه را از منظر اندیشه امام خمینی مورد توجه قرار داده است (قیلاوی زاده، ۱۴۰۲: ۵۷-۸۳). همچنین پژوهش‌هایی با عناوینی چون «نظام مسائل لایه‌ای علی نقش مردم در حکمرانی جمهوری اسلامی ایران و ارائه سیاست‌های پیشنهادی مبتنی بر الگوی حکمرانی مردمی (جوادیان فرد و کوهی، ۱۴۰۴: ۱۸-۲۰)»، «از چیستی مردم تا نهادمندی حکمرانی مردمی با تأکید بر تجربه انقلاب اسلامی (محمدی، ۱۴۰۴: ۲۵)» و «نقش مشارکت مردم در تحول حکمرانی (محمودی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۱-۴۶)» نشان‌دهنده گسترش دامنه ادبیات از مشارکت سیاسی به مسئله حضور و نقش مردم در فرایند حکمرانی هستند. اهمیت این مطالعات در نسبت با پژوهش حاضر آن است که در آنها مردم صرفاً موضوع سیاست‌گذاری یا دریافت‌کننده خدمات عمومی نیستند، بلکه ظرفیت آنان برای حضور در فرایندهای حکمرانی مورد توجه قرار گرفته است. در ادبیات جدیدتر حکمرانی مردمی نیز بر این نکته تأکید شده که نقش مردم نباید به انتخاب حکمرانان و نظارت بر عملکرد آنها محدود شود، بلکه مردم می‌توانند در مراحل مختلف برنامه‌ریزی، ساخت و اجرای امور عمومی نقش داشته باشند. همچنین در برخی صورت‌بندی‌های مربوط به حکمرانی مردمی، توجه به آگاهی، اراده و منابع مردم و فراهم کردن زمینه شکوفایی ظرفیت‌های ایشان از طریق مشارکت در اداره و پیشرفت کشور مورد تأکید قرار گرفته است.

در همین مسیر، برخی پژوهش‌ها مسئله مردم را در پیوند با تجربه انقلاب اسلامی و تحول اجتماعی مورد بررسی قرار داده‌اند. پژوهش‌های قاسمی (۱۴۰۰: ۴۷-۶۷)، اخوان نیلچی و همکاران (۱۴۰۴: ۳۴۱-۳۶۸) و محمدی (۱۴۰۴: ۲۵) نشان می‌دهد در ادبیات موجود توجه به مردم از سطح حضور در ساختار رسمی سیاسی فراتر رفته و به ظرفیت آنان برای ایفای نقش در فرایندهای اجتماعی، سیاسی و تاریخی نیز تسری یافته است. در این میان، پیوند دادن حکمرانی مردم‌پایه با تجربه انقلاب اسلامی اهمیت خاصی دارد؛ زیرا نشان می‌دهد که مردم در این تجربه تاریخی صرفاً دریافت‌کننده نتایج یک تحول سیاسی نبوده‌اند، بلکه خود در شکل‌گیری و استمرار آن نقش داشته‌اند. با این حال، این مطالعات غالباً بر یک عرصه یا کارکرد مشخص



از نقش مردم تمرکز کرده‌اند و کمتر درصدد برآمده‌اند فرایند شکل‌گیری یک فاعلیت جامع و چندبعدی در مردم را در قالب یک مدل نظری تبیین کنند.

این نکته در پژوهش شیخی (۱۴۰۲: ۹۹-۱۰۳) نیز اهمیت پیدا می‌کند. هنگامی که ارتقای نقش مردم مستلزم رفع موانع و فراهم کردن سازوکارهای خاص دانسته می‌شود، در واقع این فرض تقویت می‌شود که ظرفیت مردم برای ایفای نقش در حکمرانی، امری ایستا و از پیش تحقق‌یافته نیست، بلکه می‌تواند تحت تأثیر شرایط و عوامل مختلف تقویت یا تضعیف شود. از این منظر، مسئله پژوهش حاضر را می‌توان یک گام مفهومی فراتر دانست: اگر نقش‌آفرینی مردم تحت تأثیر مجموعه‌ای از شرایط قرار دارد، باید بتوان شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر، راهبردهای فعال‌سازی این ظرفیت و پیامدهای آن را نیز شناسایی کرد. این دقیقاً همان سطحی است که رویکرد نظریه برخاسته از داده‌ها و مدل پارادایمی امکان تحلیل آن را فراهم می‌کند.

از سوی دیگر، بخشی از ادبیات به جای تمرکز بر مشارکت یا حکمرانی، جایگاه مردم را در نسبت با جامعه مطلوب اسلامی و آرمان‌های کلان انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار داده است. پژوهش اخوان نیلچی و همکاران (۱۴۰۴: ۳۴۱) از این حیث برای پژوهش حاضر اهمیت دارد که مسئله مردم‌پایه بودن را به ساخت اجتماعی مطلوب اسلامی پیوند می‌دهد. این رویکرد نشان می‌دهد که مردم‌محوری در نظام اسلامی را نمی‌توان صرفاً در سطح ساخت سیاسی و اداری مطالعه کرد، بلکه باید نسبت آن را با جامعه‌سازی و تحقق وضعیت مطلوب اسلامی نیز مورد توجه قرار داد. چنین رویکردی با جهت‌گیری تمدنی پژوهش حاضر قرابت بیشتری دارد؛ زیرا در پژوهش حاضر نیز بعثت مردم صرفاً یک وضعیت سیاسی یا انتخاباتی تلقی نمی‌شود، بلکه در افقی وسیع‌تر، با مسئولیت اجتماعی، پیشرفت، مقاومت، اقتدار ملی و حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی ارتباط پیدا می‌کند. در مجموع، بررسی این دسته از مطالعات نشان می‌دهد که ادبیات موجود را می‌توان از مردم‌سالاری دینی و مشارکت سیاسی به حکمرانی مردم‌پایه و سپس به نقش مردم در تحول و جامعه‌سازی دنبال کرد. در سطح نخست، مبانی و جایگاه مردم در نظام دینی مورد بحث قرار گرفته است؛ در سطح دوم، سازوکارهای مشارکت و نقش مردم در ساختار سیاسی بررسی شده؛ در سطح سوم، مردم به عنوان یکی از بازیگران حکمرانی مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ و در سطح چهارم، ظرفیت آنان برای تحول اجتماعی و تحقق جامعه مطلوب اسلامی برجسته شده است. بنابراین، ادبیات موجود مجموعه‌ای از مؤلفه‌های مهم برای فهم نقش مردم در جمهوری اسلامی فراهم کرده است، اما این مؤلفه‌ها هنوز به صورت یک مفهوم واحد و منسجم که فرایند گذار مردم از حضور و مشارکت به فاعلیت آگاهانه، مسئولانه، مقاوم و تمدن‌ساز را توضیح دهد، صورت‌بندی نشده‌اند.

از این منظر، مفهوم بعثت مردم در پژوهش حاضر در نقطه اتصال این مطالعات قرار می‌گیرد. منظور از این مفهوم، صرفاً مشارکت بیشتر مردم یا افزایش حضور آنان در ساختارهای رسمی نیست؛ بلکه مسئله، تبیین وضعیتی است که در آن ظرفیت‌های انسانی و اجتماعی مردم برانگیخته شده و آنان به فاعلان فعال در حکمرانی، حل مسائل، مقاومت، پیشرفت و تمدن‌سازی تبدیل می‌شوند. اهمیت این تمایز در آن است که مشارکت می‌تواند به حضور مردم در فرایندی موجود اشاره کند، در حالی که بعثت - در معنایی که باید از داده‌های پژوهش حاضر استخراج شود - ناظر به برانگیخته‌شدن و فعال‌شدن یک ظرفیت انسانی و اجتماعی است. بنابراین، پژوهش حاضر قصد ندارد مفهوم مردم‌سالاری دینی یا حکمرانی مردم‌پایه را تکرار کند، بلکه می‌کوشد با استفاده



از داده‌های مربوط به اندیشه حضرت آیت‌الله امام سید مجتبی خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی، مفهوم جدید بعثت مردم و روابط میان مؤلفه‌های آن را کشف و در قالب یک مدل پارادایمی صورت‌بندی کند.

نکته مهم دیگر، نسبت این مفهوم با نعمت عظمی است. در منابعی که در این مرحله بررسی شده‌اند، جایگاه مردم، مشارکت آنان و نقششان در حکمرانی و تحول اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است؛ اما بعثت مردم به مثابه یک نعمت عظمی، با مجموعه‌ای از شرایط شکل‌دهنده، عوامل مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای آن، در یک مدل منسجم مفهوم‌پردازی نشده است. بنابراین، خلأ پژوهشی حاضر صرفاً فقدان یک اصطلاح جدید نیست؛ بلکه فقدان یک چارچوب مفهومی برای توضیح روابط میان ابعاد مختلف این پدیده است. این خلأ، به‌ویژه در نسبت با مجموعه پیام‌های مکتوب حضرت آیت‌الله امام سید مجتبی خامنه‌ای، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا پژوهش حاضر به جای تحمیل یک الگوی نظری از پیش تعیین‌شده، می‌کوشد با اتخاذ راهبرد نظام‌مند نظریه برخاسته از داده‌ها، مفاهیم و روابط میان آنها را از متن پیام‌ها استخراج کند. از این رو، نوآوری پژوهش حاضر را می‌توان در مفهوم‌پردازی «بعثت مردم» به مثابه پدیده‌ای چندبعدی در حکمرانی جمهوری اسلامی و تبیین آن در افق تمدنی جست‌وجو کرد.

۳. روش‌شناسی

این پژوهش یک پژوهش بنیادی در گستره پارادایم تفسیری و با هدف مفهوم‌پردازی «بعثت مردم» مبتنی بر اندیشه حضرت آیت‌الله امام سید مجتبی خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی به عنوان رهبر سوم انقلاب اسلامی است. بدین ترتیب سؤال اصلی در این پژوهش عبارت است از: «بعثت مردم مبتنی بر اندیشه حضرت آیت‌الله امام سید مجتبی خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی چگونه مفهوم‌پردازی می‌شود؟» همچنین این پژوهش به لحاظ نوع‌شناسی از منظر گردآوری داده‌ها، پژوهشی کیفی و مبتنی بر راهبرد نظریه برخاسته از داده‌ها است. در ادبیات گراند تئوری سه نوع راهبرد مختلف وجود دارد که پژوهش حاضر بر اساس راهبرد نظام‌مند، متناسب به استراوس و کوربین (Corbin & Strauss, 2008)، به دنبال احصای مدل پارادایمی از پدیده مورد نظر است. بدین ترتیب در این پژوهش، نظریه برخاسته از داده‌ها نه با هدف تولید یک نظریه عام اجتماعی، بلکه با هدف مفهوم‌پردازی و تبیین روابط میان مقوله‌های شکل‌دهنده پدیده «بعثت مردم» در منظومه فکری حضرت آیت‌الله امام سید مجتبی خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی به کار گرفته شده است. بر این اساس سؤالات فرعی این پژوهش عبارتند از:

۱. مقوله محوری مفهوم «بعثت مردم» مبتنی بر اندیشه حضرت آیت‌الله امام سید مجتبی خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی چیست؟
۲. شرایط علی مفهوم «بعثت مردم» مبتنی بر اندیشه حضرت آیت‌الله امام سید مجتبی خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی چیست؟
۳. راهبردهای مفهوم «بعثت مردم» مبتنی بر اندیشه حضرت آیت‌الله امام سید مجتبی خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی چیست؟
۴. شرایط زمینه‌ای مفهوم «بعثت مردم» مبتنی بر اندیشه حضرت آیت‌الله امام سید مجتبی خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی چیست؟
۵. شرایط مداخله‌گر مفهوم «بعثت مردم» مبتنی بر اندیشه حضرت آیت‌الله امام سید مجتبی خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی چیست؟
۶. پیامدهای مفهوم «بعثت مردم» مبتنی بر اندیشه حضرت آیت‌الله امام سید مجتبی خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی چیست؟



داده‌های این پژوهش از کلیه پیام‌های مکتوب حضرت آیت‌الله امام سید مجتبی خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی پس از انتخاب به‌عنوان رهبر معظم انقلاب اسلامی، مندرج در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر ایشان، که تا مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۱ صادر گردیده (شامل ۱۶ پیام مکتوب)، احصا شده است. با توجه به بازه زمانی مشخص، محدود بودن تعداد اسناد و ارتباط مستقیم همه آن‌ها با موضوع پژوهش، از شیوه سرشماری اسنادی استفاده شد و کلیه اسناد واجد شرایط وارد فرایند تحلیل گردیدند. فرایند تحلیل داده‌ها بر اساس رویکرد نظام‌مند استراوس و کوربین (۲۰۰۸) طی سه مرحله رفت‌وبرگشتی انجام پذیرفت: در مرحله کدگذاری باز، متن پیام‌ها به‌صورت سطر به سطر واکاوی و با مراجعه مکرر به اسناد، در مجموع ۵۷ مفهوم (کد باز) اولیه استخراج گردید؛ در مرحله کدگذاری محوری، مفاهیم هم‌خانواده از طریق مقایسه مستمر داده‌ها و بازنگری پیوسته، در قالب ۱۷ مقوله فرعی سازمان‌دهی شدند و پیوندهای میان آن‌ها ذیل ۶ بُعد الگوی پارادایمی (مقوله هسته، شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها) صورتبندی شد؛ و در مرحله کدگذاری انتخابی، مقوله هسته انتزاع و سایر مقوله‌ها حول آن یکپارچه و مدل نهایی تدوین گردید. به‌منظور افزایش حساسیت نظری پژوهشگر، فرایند تحلیل با مطالعه مکرر اسناد و مقایسه مداوم داده‌ها با مفاهیم پیش رفت. پایش کفایت داده‌ها نیز نشان داد که ساختار مقولات تا پیام دوازدهم قوام یافته و تحلیل اسناد پایانی (پیام‌های ۱۳ تا ۱۶) بدون افزودن طبقه یا رابطه مفهومی جدید، ویژگی‌ها و ابعاد مدل را تأیید و تثبیت نمود؛ امری که حاکی از احراز اشباع نظری در سطح مقولات بود.

همچنین به‌منظور اعتبارسنجی یافته‌های پژوهش، مدل پارادایمی استخراج‌شده در معرض قضاوت و ارزیابی پنج نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها قرار گرفت؛ این پنل خبرگی شامل یک عضو هیئت علمی متخصص جامعه‌شناسی، یک عضو هیئت علمی متخصص خط‌مشی‌گذاری، یک عضو هیئت علمی متخصص آینده‌پژوهی سیاسی، یک عضو هیئت علمی متخصص علوم سیاسی و اندیشه سیاسی اسلام و یک عضو هیئت علمی متخصص مدیریت و اداره دولتی بود. بدین منظور ساختار و ابعاد مدل به خبرگان ارائه گردید و با دریافت نظرات و ارزیابی‌های تخصصی آنان، اصلاحات و بازبینی‌های لازم در مدل نهایی اعمال شد. افزون بر این برای افزایش اعتبار و قابلیت اتکای یافته‌ها، علاوه بر ارزیابی خبرگان، تطبیق مستمر کدها با داده‌های خام، بازبینی چندباره فرایند کدگذاری و مستندسازی مراحل تحلیل نیز انجام گرفت. برون‌داد نهایی این فرایند، ارائه مدل پارادایمی مفهوم «بعثت مردم» شامل مقوله هسته، شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها در منظومه فکری حضرت آیت‌الله امام سید مجتبی خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی است.

۴. یافته‌ها

برای احصای یافته‌های پژوهش منطبق بر سؤالات مذکور، ابتدا پیام‌های مکتوب رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی طی چندین نوبت و با دقت مطالعه شد. سپس تلاش شد با بررسی چندین باره نسبت به کدگذاری آن طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی اقدام شود. در ادامه یافته‌های این سه مرحله کدگذاری مبتنی بر روش کوربین و استراوس (Corbin & Strauss, 2008) ارائه می‌شود.

الف. کدگذاری باز



با چندین نوبت مطالعه دقیق پیام‌های مکتوب رهبر معظم انقلاب در مجموع ۵۷ کد باز مرتبط با مفهوم «بعثت مردم» شناسایی گردید. در ادامه و به دلیل پرهیز از طولانی شدن متن، تعدادی از کدهای شناسایی شده متناظر با بیانات معظم‌له در جدول ۱ فهرست می‌شود.

جدول ۱. کدگذاری باز مفهوم «بعثت مردم»

ردیف	کد	بیانات	منبع
۱	استعانت از یاری مردم	من این توفیق را داشتم که پیکر ایشان را بعد از شهادت زیارت کنم؛ آنچه دیدم کوهی از صلابت بود؛ و شنیدم که مشت دست سالمش را گره کرده بود. این است علت سختی تکیه بر کرسی رهبری بعد از چنین کسی. تصمیم این فاصله تنها با استعانت از حضرت حق و یاری شما مردم ممکن است.	اولین پیام حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی - ۱۴۰۴/۱۲/۲۱
۲	دادن بصیرت و آگاهی مستمر به مردم	از جمله هنرهای رهبر شهید و سلف کبیر ایشان، وارد کردن مردم در همه‌ی عرصه‌ها و بصیرت و آگاهی دادن مستمر به ایشان، و در مقام عمل تکیه بر نیروی آنان بود.	اولین پیام حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی - ۱۴۰۴/۱۲/۲۱
۳	اعتقاد به جمهور و جمهوریت	ایشان عمری را در تلاش برای برپائی نظام اسلامی و قوام و بقاء آن طی کردند و در عین حال جمهوری اسلامی بدون مردم از نظر ایشان بی معنا می‌نمود.	پیام حضرت آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت چهلمین روز شهادت قائد عظیم الشان انقلاب (قدس الله نفسه الزکیه) - ۱۴۰۵/۰۱/۲۰
۴	رهبری کشور توسط مردم	اثر واضح این مطلب در این چند روزی که کشور بدون رهبر و بدون فرمانده کل قوا بود، دیده شد. بصیرت و هوشمندی مکت بزرگ ایران در واقعه‌ی اخیر و پایمردی و شجاعت و حضورش، دوست را به تحسین و دشمن را به حیرت واداشت. این شما مردم بودید که کشور را رهبری و اقتدار آن را ضمانت کردید.	اولین پیام حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی - ۱۴۰۴/۱۲/۲۱
۵	بعثت مردم ایران به مثابه نعمت عظمی (حضور)	آیه‌ای که در صدر این نوشتار آوردم [مَا نَسَخَ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلِهَا]، به این معنی است که هیچ آیتی از آیات الهی نیست	اولین پیام حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای



عَمَّارِ گونهُ مَلَّت (ایران)	که یا مهلتش تمام شود یا به فراموشی سپرده شود، مگر اینکه از ناحیه‌ی حضرت حق (جلّ و علا)، مثل یا برتر از آن به جایش داده شود. جهت ذکر آیه‌ی مبارکه، توجّه دادن به نقش بجا و پُررنگ شما مَلَّت عزیز است. اگر آن نعمت عظمی از ما سلب شد، به جایش بار دیگر حضور عَمَّارِ گونهِی مَلَّت ایران به این نظام اعطا گشت.	رهبر معظم انقلاب اسلامی - ۱۴۰۴/۱۲/۲۱
۶ توکل بر خدا و توسّل به معصومین صلوات الله علیهم	برای اینکه این معنا بهتر صورت تحقّق پیدا کند، اوّلًا باید به یاد خداوند تبارک و تعالی و توکل بر حضرتشان و توسّل به انوار طیبیه‌ی معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین)، چون اکسیر اعظم و کبریت احمری نگریسته شود که تضمین کننده‌ی انواع گشایشها و ظفر قطعی بر دشمن است. این مزیت عظیمی است که شما واجد آن و دشمنانتان فاقد آن هستند.	اولین پیام حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی - ۱۴۰۴/۱۲/۲۱
۷ وحدت بین مردم	در حال حاضر در اثر وحدت عجیبی که بین شما هموطنان با همه تفاوت خاستگاههای مذهبی، فکری، فرهنگی و سیاسی ایجاد شده، در دشمن شکستگی بوجود آمده است.	پیام نوروزی رهبر انقلاب به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۵ - ۱۴۰۴/۱۲/۲۹
۸ حضور مؤثر در صحنه	ثالثًا؛ باید حضور مؤثر در صحنه حفظ شود؛ چه به صورتی که در این روزها و شبهای جنگ از خود نشان دادید، و چه به صورت انواع نقش آفرینی‌های مؤثر در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، تربیتی، فرهنگی و حتّی امنیتی. مهم این است که نقش صحیح، بدون خدشه به وحدت اجتماعی، بخوبی درک و تا حدّ ممکن به اجرا گذاشته شود. یکی از وظایف رهبری و بعضی مسئولین دیگر گوشزد کردن بعضی از این نقشها به آحاد یا اقشار جامعه است.	اولین پیام حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی - ۱۴۰۴/۱۲/۲۱
۹ تربیت و پرورش اجتماع	یک هنر بزرگ ایشان که کمتر مورد توجه قرار میگیرد، هنر تربیت و پرورش اجتماع از طریق ساخت افکار و روحیات و عواطف توده‌های عظیم مردم و گروههای اجتماعی بود.	پیام حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت چهلمین روز



شهادت قائد عظیم‌الشأن انقلاب (قدس الله نفسه الزکيه) - ۱۴۰۵/۰۱/۲۰			
پیام حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی به‌مناسبت چهلمین روز شهادت قائد عظیم‌الشأن انقلاب (قدس الله نفسه الزکيه) - ۱۴۰۵/۰۱/۲۰	این روزها خیلی‌ها نگاهی تمدنی را با چشم دوختن به افقهای دور دست تجربه میکنند و برای خود تصویری نه موهوم بلکه متکی به واقعیات حال و آینده خلق میکنند. این خصوصیتی است که تا اندکی پیش از این در عده‌ی کمی که رهبر شهید در رأس آن قرار داشتند، دیده میشد. این گونه است که هر ناظری رشد سریع و معجزه‌وار این ملت را درک میکند و بی‌جهت نیست که در این روزها حکیم نامدار دوران و فقیه عالیقدر آنگاه که با شما از این شأن صحبت میفرماید، بارها بغض گلو، سد راه کلامش میشود.	نیل به تمدن نوین اسلامی	۱۰

ب. کدگذاری محوری

در ادامه با طبقه‌بندی ۵۷ کد باز که در مرحله پیشین احصا شده بود، ۱۷ کد محوری شناسایی گردید. جدول ۲ این ۱۷ کد محوری و کدهای باز متناظر با آن را نشان می‌دهد. شایان ذکر است بعضی کدهای باز، هم‌زمان در بیش از یک کد محوری طبقه‌بندی شده‌اند.

جدول ۲. کدگذاری محوری مفهوم «بعثت مردم»

ردیف	کد محوری	کدهای باز	ردیف	کد محوری	کدهای باز
۱	مردم؛ خاستگاه مشروعیت و اقتدار حکمرانی	- اعتقاد به جمهوریت - رهبری کشور توسط مردم - ضمانت اقتدار کشور - مردم منشأ قدرت کشور	۱۰	ابتلا؛ میدان تکوین بعثت	- تهدید و دشمن - تشکیل خط دفاعی مردمی
۲	بعثت معرفتی مردم	- بصیرت افزایی - بصیرت ملت - تربیت و پرورش اجتماع	۱۱	کنش تمدن ساز مردم	- رهبری کشور توسط مردم - ظهور قدرت مردم - حضور مؤثر



			- ملت بعثت یافته		- بعثت هنرمندان
۳	حکمرانی هم آموز با مردم	۱۲	- استعانت از یاری مردم - شنیدن سخن مردم - یادگیری از مردم - تدوین نسخه علاج	استقامت و حماسه سازی تمدنی	- پایمردی - شجاعت - دفاع مقدس - تبدیل داغ به حماسه
۴	مردم، پیران پیشرفت کشور	۱۳	- ورود مردم به عرصه ها - تکیه بر مردم - ایجاد تحول - تعریف نقش مردم	صیانت از گفتمان انقلاب اسلامی	- پدافند زبانی و گفتمانی - پاسداری از استقلال تمدنی
۵	بعثت مردم؛ نعمت عضمای الهی	۱۴	- حضور عمار گونه - شکل گیری نصاب - تازه بعثت ملت - استفاده صحیح از نعمت عظمی	بسیج ظرفیت های ملی	- کالای ایرانی - حمایت از کارگران و معلمان - پیشرفت با دو بال علم و عمل
۶	امت سازی و انسجام ملی	۱۵	- وحدت مردم - شکر نعمت وحدت - انسجام پولادین - نزدیک شدن قلوب - ذوب فاصله ها - همراهی اقشار	اقتدار مردم بنیان	- عظمت ملت - ایران قوی
۷	اخوت و مواسات اجتماعی	۱۶	- کمک به یکدیگر - اعتماد متقابل - مردم داری - مسئولان	غلبه جبهه حق بر استکبار	- اقامه حق - خنثی سازی نقشه دشمن - شکست دشمن
۸	هویت و سرمایه تمدنی ایران اسلامی	۱۷	- گرد آمدن زیر پرچم وطن - هم سرنوشتی ملت ها - پاسداری از سرمایه های ملی - رسوخ هویت ایرانی اسلامی	افق تمدنی بعثت مردم	- تمدن نوین اسلامی - گشایش الهی - ظهور حضرت ولی عصر (عج)



۹	پشتوانه معنوی بعثت	- توکل بر خدا و توسل به معصومین - صیام همراه جهاد		
---	-----------------------	---	--	--

سپس بر اساس الگوی مدل پارادایمی کوربین و استراوس، مدل پارادایمی مفهوم «بعثت مردم» مطابق شکل ۱ ترسیم می‌شود.



شکل ۱. مدل پارادایمی «بعثت مردم»

بدین ترتیب مدل پارادایمی بعثت مردم در قالب مقوله محوری (شامل یک مؤلفه)، شرایط علی (شامل ۳ مؤلفه)، شرایط زمینه‌ای (شامل ۳ مؤلفه)، شرایط مداخله‌ای (شامل ۲ مؤلفه)، راهنماها (شامل ۵ مؤلفه) و پیامدها (شامل ۳ مؤلفه) مطابق شکل ۱ قابل تصور است.

ج. کدگذاری انتخابی



در این بخش پژوهشگر به مفهوم‌پردازی «بعثت مردم» مبتنی بر مبانی اندیشه‌ای حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای حفظه الله تعالی می‌پردازد. در اندیشه رهبر معظم انقلاب، بعثت مردم ایران به مثابه نعمت عظمایی است که مثل و یا حتی برتر از نعمت ولایت قائد شهید است؛ به گونه‌ای که با سلب آن نعمت از مردم ایران، خداوند متعال با مبعوث کردن مردم، محرومیت از آن را جبران کرده‌اند. رهبر معظم انقلاب با اشاره به آیه «مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا» (بقره، ۱۳۶) به معنی «هر آیه‌ای را که [محتوی حکم یا احکامی است وقتی بر پایه مصلحت یا اقتضای زمان] از میان برداریم یا به تأخیر اندازیم، بهتر از آن یا مانندش را می‌آوریم»، از این بعثت به «حضور عمارگونه مردم» تعبیر می‌کند (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۴ الف).

بر اساس یافته‌های پژوهش، بعثت مردم به مثابه نعمت عظمای الهی به‌عنوان مقوله محوری، بیانگر وضعیتی است که در آن مردم از یک جامعه حاضر در ساختار حکمرانی فراتر رفته و به فاعل آگاه، مسئول، مقاوم و تمدن‌ساز در فرایند حکمرانی جمهوری اسلامی تبدیل می‌شوند. این بعثت نه یک رخداد مقطعی، بلکه فرایندی است که بر مجموعه‌ای از مبانی معرفتی، معنوی و مردم‌پایه استوار می‌شود، در بستر اجتماعی و هویتی خاصی شکل می‌گیرد، تحت تأثیر شرایط مداخله‌گر جهت و شدت می‌یابد و از طریق مجموعه‌ای از کنش‌ها و راهبردهای مردم‌محور به پیامدهای ملی و تمدنی منتهی می‌شود.

در سطح شرایط علّی، نخست، مردم به‌عنوان خاستگاه مشروعیت و اقتدار حکمرانی تلقی می‌شوند. در این نگاه، جمهوریت صرفاً یک قالب سیاسی نیست، بلکه حضور و نقش‌آفرینی مردم، یکی از ارکان اقتدار نظام حکمرانی است. از سوی دیگر، تحقق این نقش‌آفرینی نیازمند بعثت معرفتی مردم است؛ یعنی ارتقای بصیرت، هوشمندی، تربیت و شکل‌گیری جامعه‌ای آگاه و بعثت‌یافته. این بنیان معرفتی در کنار پشتوانه معنوی بعثت - از جمله توکل، توسل و پیوند جهاد اجتماعی با معنویت - زمینه‌پدایش بعثت مردم را فراهم می‌کند.

اما بعثت مردم در خلأ اجتماعی رخ نمی‌دهد. شرایط زمینه‌ای آن را مجموعه‌ای از روابط و سرمایه‌های اجتماعی و هویتی تشکیل می‌دهد. امت‌سازی و انسجام ملی، با ایجاد وحدت، نزدیک‌شدن قلوب و کاهش فاصله‌های اجتماعی، ظرفیت جمعی مردم را پدید می‌آورد. در کنار آن، اخوت و مواسات اجتماعی، اعتماد، یاری متقابل و مردم‌داری را تقویت می‌کند و هویت و سرمایه تمدنی ایران اسلامی، مردم را حول وطن، هویت مشترک و احساس هم‌سرنوشتی گرد می‌آورد. بنابراین، بعثت مردم زمانی امکان تحقق گسترده پیدا می‌کند که جامعه از سرمایه‌های لازم برای کنش جمعی برخوردار باشد.

در این میان، شرایط مداخله‌گر موجب می‌شوند که این ظرفیت‌ها به اشکال خاصی از کنش اجتماعی تبدیل شوند. ابتلاً؛ میدان تکوین بعثت نشان می‌دهد که تهدید، دشمنی و مواجهه با بحران می‌تواند ظرفیت‌های نهفته مردم را فعال و آنها را از حالت بالقوه به کنش بالفعل تبدیل کند. همزمان، صیانت از گفتمان انقلاب اسلامی، به‌مثابه مواجهه با تهدیدهای فرهنگی، زبانی و تمدنی، جهت و چارچوب این کنش را مشخص می‌کند. از این منظر، ابتلاً صرفاً یک مانع برای بعثت مردم نیست، بلکه می‌تواند به عاملی برای ظهور و فعلیت‌یافتن ظرفیت‌های بعثت تبدیل شود.

در مواجهه با این شرایط، راهبردهای مردم‌محور و تمدن‌ساز فعال می‌شوند. نخست، حکمرانی هم‌آموز با مردم قرار دارد؛ یعنی حکمرانی نه‌تنها برای مردم، بلکه با اتکا به شنیدن، یادگیری و بهره‌گیری از تجربه و یاری آنان شکل می‌گیرد. سپس، مردم



به‌عنوان پیشران پیشرفت کشور وارد عرصه‌های مختلف می‌شوند و از حالت مخاطب سیاست‌ها به فاعل پیشرفت تبدیل می‌شوند. این حضور در قالب کنش تمدن‌ساز مردم عینیت می‌یابد؛ یعنی حضور مؤثر، ظهور قدرت اجتماعی، نقش‌آفرینی اقشار و امتداد بعثت مردم در عرصه‌هایی همچون هنر. در شرایط دشوار نیز استقامت و حماسه‌سازی تمدنی، ظرفیت مردم را برای مقاومت، پایداری، شجاعت و تبدیل تهدید و فقدان به حماسه فعال می‌کند. در کنار همه اینها، بسیج ظرفیت‌های ملی، ظرفیت‌های اقتصادی، علمی، حرفه‌ای و اجتماعی کشور را در مسیر پیشرفت فعال می‌سازد.

برآیند این فرایند در سطح نخست، شکل‌گیری اقتدار مردم‌بنیان است؛ یعنی اقتداری که پشتوانه آن صرفاً ساختارهای رسمی قدرت نیست، بلکه عظمت، حضور و توان جمعی مردم است. این اقتدار در سطح مواجهه با دشمن، به غلبه جبهه حق بر استکبار منتهی می‌شود؛ به این معنا که حضور و مقاومت مردم در کنار تدبیر حکمرانی، امکان اقامه حق، خنثی‌سازی نقشه‌های دشمن و شکست جبهه مقابل را فراهم می‌کند. اما پیامد بعثت مردم در این نقطه پایان نمی‌یابد. افق تمدنی بعثت مردم، عالی‌ترین سطح پیامدهای این فرایند است؛ جایی که اقتدار و مقاومت مردم از سطح حفظ و تقویت نظام سیاسی- اجتماعی فراتر رفته و در مسیر تمدن نوین اسلامی، گشایش الهی و در نهایت ظهور قرار می‌گیرد.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که «بعثت مردم» در اندیشه حضرت آیت‌الله امام سید مجتبی خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی مفهومی فراتر از حضور سیاسی، مشارکت انتخاباتی یا حتی حکمرانی مردم‌پایه است. مقوله محوری استخراج‌شده، یعنی «بعثت مردم به مثابه نعمت عظمای الهی» وضعیتی را توصیف می‌کند که در آن مردم از یک عنصر حاضر در ساختار حکمرانی به فاعلی آگاه، مسئول، مقاوم و تمدن‌ساز تبدیل می‌شوند. شواهد مستقیم پیام‌های مورد مطالعه نیز این معنا را تأیید می‌کند؛ چنان‌که در یکی از پیام‌ها، بصیرت، پایداری، شجاعت و حضور ملت منشأ «رهبری کشور» و «ضمانت اقتدار» آن معرفی شده و حضور مردم به‌عنوان نعمتی عظمی در نسبت با فقدان نعمت پیشین مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین، در این چارچوب، بعثت تنها به معنای افزایش میزان مشارکت نیست، بلکه ناظر به تغییر کیفیت فاعلیت مردم است؛ یعنی فعال‌شدن ظرفیتی که می‌تواند در اداره کشور، مواجهه با تهدید، حل مسائل، پیشرفت و حرکت تمدنی نقش‌آفرین شود.

این برداشت، از حیث نظری با بخشی از ادبیات مردم‌سالاری دینی هم‌جهت است، اما در عین حال از آن فراتر می‌رود. در ادبیات موجود، نقش مردم در نظام اسلامی از رهگذر مفاهیمی همچون جمهوریت، مشارکت، شورا، مردم‌سالاری دینی و حکمرانی مردم‌پایه تبیین شده است. برای نمونه، پژوهش‌های مربوط به مشارکت مردم در تحول حکمرانی، مشارکت را به عنوان یکی از ابعاد تحول در حکمرانی مورد توجه قرار داده‌اند (محمودی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۱-۴۶)، در حالی که مطالعات مربوط به حکمرانی مردم‌پایه، دامنه حضور مردم را به عرصه‌هایی فراتر از سازوکارهای رسمی سیاسی گسترش داده‌اند. در پژوهش حاضر نیز این مؤلفه‌ها نفی نمی‌شوند؛ بلکه بعثت مردم به منزله سطحی از فاعلیت تعریف می‌شود که می‌تواند مشارکت را به کنش مؤثر و کنش مؤثر را به فاعلیت تمدنی پیوند دهد. این تمایز با نتیجه مرور پیشینه نیز سازگار است؛ زیرا ادبیات موجود



مجموعه‌ای از مؤلفه‌های مردم‌محوری را ارائه کرده، اما فرایند گذار منسجم از حضور و مشارکت به فاعلیت آگاهانه، مسئولانه، مقاوم و تمدن‌ساز را در قالب یک مدل پارادایمی صورت‌بندی نکرده است.

از منظر مدل پارادایمی، نخستین سطح تبیین بعثت مردم، شرایط علی آن است. یافته‌ها سه شرط «مردم؛ خاستگاه مشروعیت و اقتدار حکمرانی»، «بعثت معرفتی مردم» و «پشتوانه معنوی بعثت» را نشان می‌دهد. بدین ترتیب، بعثت مردم از یک سو بر پذیرش نقش اساسی مردم در اقتدار و تحقق حکمرانی و از سوی دیگر بر ارتقای معرفتی و معنوی آنان مبتنی است. این یافته با ادبیات موجود درباره مردم‌سالاری دینی همخوانی دارد؛ زیرا در این ادبیات نیز نقش مردم در چارچوب مبانی و غایات اسلامی فهم می‌شود و مشارکت اجتماعی صرفاً یک رفتار سیاسی مستقل از تلقی انسان از مسئولیت اجتماعی نیست. اما یافته حاضر یک گام فراتر می‌گذارد و نشان می‌دهد که برای تبدیل مردم به فاعل مؤثر، صرف پذیرش جایگاه حقوقی و سیاسی آنان کافی نیست؛ بلکه بصیرت، تربیت، هوشمندی و پشتوانه معنوی نیز باید در کنار آن قرار گیرد.

در سطح شرایط زمینه‌ای، سه مقوله «امت‌سازی و انسجام ملی»، «اخوت و مواسات اجتماعی» و «هویت و سرمایه تمدنی ایران اسلامی» شناسایی شد. این یافته بیانگر آن است که بعثت مردم، برخلاف برداشت فردگرایانه از کنش سیاسی، اساساً یک پدیده اجتماعی است. مردم زمانی می‌توانند به یک فاعل جمعی تبدیل شوند که میان آنان پیوند، اعتماد، همدلی، احساس هم‌سرنوشتی و سرمایه اجتماعی وجود داشته باشد. این نتیجه با پژوهش رحیمیان و همکاران (۱۳۹۷: ۱-۲۴) قرابت دارد. ایشان در بررسی بیانات مقام معظم رهبری، مؤلفه‌هایی همچون اعتماد اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، حمایت اجتماعی و بیداری اجتماعی را در زمره مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مرتبط با تمدن‌سازی نوین اسلامی شناسایی کرده‌اند. بنابراین یافته حاضر را می‌توان توسعه مفهومی این مسیر دانست: سرمایه اجتماعی در اینجا تنها یک سرمایه موجود نیست، بلکه یکی از بسترهای فعال‌شدن فاعلیت جمعی مردم تلقی می‌شود.

شرایط مداخله‌گر مدل نیز واجد دلالت نظری مهمی است. دو مقوله «ابتلا؛ میدان تکوین بعثت» و «صیانت از گفتمان انقلاب اسلامی» نشان می‌دهند که بعثت مردم در شرایط عادی و خلأ شکل نمی‌گیرد، بلکه مواجهه با تهدید، دشمنی و بحران می‌تواند زمینه ظهور ظرفیت‌های نهفته جامعه را فراهم آورد. در پیام‌های مورد مطالعه، بصیرت، پایداری، شجاعت و حضور مردم در مواجهه با واقعه اخیر کشور، به صورت مستقیم به اقتدار و استمرار حکمرانی پیوند خورده است. از این منظر، ابتلا فقط یک وضعیت محدودکننده نیست؛ بلکه می‌تواند به میدان آشکارشدن ظرفیت‌های اجتماعی تبدیل شود. این یافته همچنین با مطالعاتی که مشارکت مردم را در نسبت با مقاومت و مقابله با استکبار بررسی کرده‌اند، قرابت دارد؛ با این تفاوت که در مدل حاضر، مقاومت نه یک پیامد منفصل، بلکه بخشی از فرایند فعال‌شدن و جهت‌یافتن فاعلیت مردم است.

در مواجهه با این شرایط، راهبردهای پنج‌گانه مدل، یعنی «حکمرانی هم‌آموز با مردم»، «مردم؛ پیشران پیشرفت کشور»، «کنش تمدن‌ساز مردم»، «استقامت و حماسه‌سازی تمدنی» و «بسیج ظرفیت‌های ملی»، سازوکار تبدیل ظرفیت به فاعلیت را توضیح می‌دهند. حکمرانی هم‌آموز با مردم از این جهت اهمیت دارد که رابطه حکمران و مردم را از الگوی یک‌سویه فاصله می‌دهد؛ مردم صرفاً مخاطب تصمیمات نیستند، بلکه شنیدن سخن آنان، یادگیری از تجربه آنان و استعانت از ظرفیتشان، بخشی از فرایند



حکمرانی است. این یافته با مطالعات مربوط به حکمرانی مردم‌پایه و نقش حلقه‌های میانی نیز همسو است؛ در این ادبیات، پیوند میان مردم و ساختارهای رسمی و استفاده از ظرفیت کنشگران اجتماعی برای حل مسائل عمومی مورد توجه قرار گرفته است (ریبئی و سیاوشی، ۱۴۰۱: ۱۳۴). سه راهبرد دیگر، دامنه این فاعلیت را از حکمرانی به پیشرفت و سپس به تمدن‌سازی گسترش می‌دهند. مردم به مثابه پیشران پیشرفت کشور نشان می‌دهد که مردم در مدل حاضر از جایگاه دریافت‌کننده سیاست‌ها به عامل تحقق تحول منتقل می‌شوند. کنش تمدن‌ساز مردم این فاعلیت را در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی گسترش می‌دهد و استقامت و حماسه‌سازی تمدنی ظرفیت مردم برای تبدیل تهدید، فقدان و دشواری به مقاومت و حماسه را توضیح می‌دهد. این بخش با مطالعاتی که مشارکت اجتماعی را در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی بررسی کرده‌اند، همسویی دارد؛ از جمله رشیدی آل‌هاشم و همکاران (۱۴۰۳: ۱۸۰-۲۱۷) که مشارکت اجتماعی بسیج را در نسبت با شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی بررسی کرده‌اند. همچنین نقیبی (۱۳۹۷: ۱۱۶) مردم‌سالاری دینی را در پیوند با تمدن نوین اسلامی تحلیل کرده و بر ظرفیت تمدنی آن تأکید کرده است. وجه تمایز یافته حاضر آن است که این ظرفیت‌ها را در یک زنجیره علی-فرایندی کنار یکدیگر قرار می‌دهد.

در سطح پیامدها، «اقتدار مردم‌بنیان»، «غلبه جبهه حق بر استکبار» و «افق تمدنی بعثت مردم» سه سطح به‌هم‌پیوسته را تشکیل می‌دهند. در سطح نخست، حضور و فاعلیت مردم به اقتدار ملی تبدیل می‌شود؛ در سطح دوم، این اقتدار در میدان مواجهه با دشمن و اقامه حق کارکرد پیدا می‌کند؛ و در سطح سوم، فاعلیت مردم از حفظ و تقویت نظم سیاسی-اجتماعی فراتر رفته و به افق تمدن نوین اسلامی، گشایش الهی و ظهور متصل می‌شود. از این حیث یافته پژوهش با مطالعاتی که مردم‌سالاری دینی را با تمدن نوین اسلامی مرتبط دانسته‌اند همسو است، اما تفاوت اصلی در آن است که تمدن‌سازی را فقط یک نتیجه کلی مردم‌سالاری نمی‌داند، بلکه آن را در انتهای یک فرایند مشخص از بعثت معرفتی و معنوی، شکل‌گیری سرمایه اجتماعی، مواجهه با ابتلا، کنشگری و بسیج ظرفیت‌های ملی قرار می‌دهد.

از این منظر، مهم‌ترین دستاورد نظری پژوهش را می‌توان در مفهوم «بعثت مردم به مثابه نعمت عظمای الهی» خلاصه کرد. در پیام‌های مورد مطالعه، تعبیر نعمت عظمی تنها یک توصیف عاطفی از حضور مردم نیست؛ بلکه با مسئولیت نسبت به حفظ و استفاده صحیح از این نعمت همراه شده است. در پیام نوروزی، وحدت ایجادشده میان مردم، نعمتی خاص دانسته شده و بر شکر عملی و استفاده صحیح از این نعمت تأکید شده است. بنابراین، نعمت‌بودن بعثت مردم در این مدل، با مسئولیت حکمرانی و جامعه در قبال این ظرفیت ملازمه دارد. به بیان دیگر، اگر مردم یک نعمت عظیم تلقی شوند، حکمرانی نمی‌تواند آنان را فقط به هنگام انتخابات یا در مقام پشتیبان سیاست‌های موجود فراخواند؛ بلکه باید شرایط ظهور، تربیت، سازمان‌یابی، نقش‌آفرینی و استمرار این ظرفیت را فراهم آورد.

در مجموع، پاسخ به سؤال اصلی پژوهش آن است که «بعثت مردم» را می‌توان فرایندی دانست که در آن مردم، بر پایه جایگاه آنان در اقتدار حکمرانی، بعثت معرفتی و پشتوانه معنوی، و در بستر امت‌سازی، انسجام، اخوت و هویت تمدنی، در مواجهه با ابتلا و تهدیدهای گفتمانی به فاعلیت فعال دست می‌یابند؛ سپس از طریق حکمرانی هم‌آموز، پیش‌برندگی پیشرفت، کنش تمدن‌ساز، استقامت و بسیج ظرفیت‌های ملی، به اقتدار مردم‌بنیان، غلبه جبهه حق و در نهایت افق تمدنی بعثت مردم منتهی



می‌شوند. بنابراین، نوآوری اصلی پژوهش، ارائه «بعثت مردم» به عنوان یک فرایند چندسطحی معرفتی، اجتماعی، حکمرانی، مقاومتی و تمدنی است؛ فرایندی که مردم را از موضوع حکمرانی به فاعل تحقق حکمرانی و تمدن ارتقا می‌دهد. این صورت‌بندی در واقع خلأیی را که در مرور پیشینه شناسایی شد، هدف قرار می‌دهد؛ یعنی فقدان مدلی که روابط میان شرایط، راهبردها و پیامدهای فاعلیت مردم را در نسبت با حکمرانی جمهوری اسلامی و افق تمدن نوین اسلامی یکجا توضیح دهد.

پژوهش حاضر، با وجود تلاش برای تحلیل جامع داده‌های موجود، با محدودیت‌هایی مواجه بوده است. نخست، داده‌های پژوهش به مجموعه پیام‌های مکتوب حضرت آیت‌الله امام سید مجتبی خامنه‌ای که تا تاریخ تعیین‌شده در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر ایشان منتشر شده، محدود بوده است؛ از این رو، یافته‌ها لزوماً تمام ابعاد اندیشه ایشان درباره مردم را که ممکن است در سایر گونه‌های بیانات، سخنرانی‌ها یا آثار آینده ایشان آشکار شود، پوشش نمی‌دهد. دوم، ماهیت کیفی و تفسیری پژوهش و استفاده از راهبرد نظریه برخاسته از داده‌ها، سبب می‌شود نتایج بیش از آنکه مدعی تعمیم آماری باشند، ناظر به مفهوم‌پردازی و ارائه تبیینی نظری از پدیده مورد مطالعه باشند. سوم، با توجه به نوظهور بودن مفهوم «بعثت مردم» و محدودبودن ادبیات مستقیم درباره آن، مقایسه یافته‌های پژوهش با مطالعات پیشین عمدتاً از طریق مفاهیم نزدیک همچون مردم‌سالاری دینی، حکمرانی مردم‌پایه، مشارکت اجتماعی و تمدن‌سازی انجام شده است. از این رو، توسعه و آزمون این مفهوم در پژوهش‌های آتی می‌تواند به غنای نظری آن کمک کند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اگر بعثت مردم به عنوان یک نعمت عظمی و یک ظرفیت راهبردی برای حکمرانی جمهوری اسلامی تلقی شود، سیاست‌گذاری عمومی باید از نگاه حداقلی به مردم به عنوان مخاطب یا مجری سیاست‌ها فاصله گرفته و ایشان را به عنوان فاعل حل مسائل و پیش‌برنده پیشرفت کشور مورد توجه قرار دهد. بر این اساس، نخست، تقویت بصیرت، آگاهی و توان تحلیل اجتماعی مردم باید به عنوان یکی از الزامات بعثت معرفتی آنان مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گیرد. دوم، سازوکارهای حکمرانی باید امکان شنیدن، یادگیری از تجربه و استفاده واقعی از ظرفیت‌های مردم و گروه‌های اجتماعی را فراهم کنند. سوم، تقویت سرمایه اجتماعی، اخوت، مواسات، اعتماد و انسجام ملی باید بخشی از سیاست‌های زمینه‌ساز بعثت مردم باشد. چهارم، ظرفیت‌های علمی، اقتصادی، فرهنگی، هنری و حرفه‌ای جامعه باید به صورت هدفمند در مسیر حل مسائل کشور و پیشرفت ملی بسیج شوند. در نهایت، سیاست‌های مربوط به مردم نباید صرفاً بر افزایش میزان مشارکت متمرکز باشد، بلکه باید به ارتقای کیفیت فاعلیت مردم و تبدیل ظرفیت اجتماعی آنان به اقتدار مردم‌بنیان و ظرفیت تمدنی معطوف شود.

با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده، مفهوم بعثت مردم در چند مسیر توسعه یابد. نخست، پژوهش‌های کیفی مشابهی با استفاده از سایر منابع اندیشه‌ای و بیانات حضرت آیت‌الله امام سید مجتبی خامنه‌ای انجام شود تا میزان پایداری و توسعه‌پذیری مدل حاضر بررسی شود. دوم، می‌توان هر یک از ابعاد مدل، به‌ویژه بعثت معرفتی مردم، سرمایه اجتماعی و هویتی، حکمرانی هم‌آموز با مردم، اقتدار مردم‌بنیان و کنش تمدن‌ساز مردم را به صورت مستقل مطالعه کرد. سوم، انجام پژوهش‌های تطبیقی میان مفهوم بعثت مردم و مفاهیمی همچون مردم‌سالاری دینی، حکمرانی مردم‌پایه، سرمایه اجتماعی و جامعه‌پردازی می‌تواند مرزهای مفهومی آن را دقیق‌تر کند. چهارم، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های کمی، شاخص‌های



استخراج شده از مدل حاضر عملیاتی و میزان تحقق آنها در جامعه مورد سنجش قرار گیرد. پنجم، می‌توان با انجام مطالعات موردی در عرصه‌هایی مانند مشارکت اجتماعی، مقاومت، پیشرفت علمی، فعالیت‌های فرهنگی و هنری، بررسی کرد که بعثت مردم چگونه در عرصه‌های مختلف حکمرانی و تمدن‌سازی عینیت می‌یابد.

فهرست منابع

قرآن کریم.

- اخوان نیلچی، نفیسه، عیوضی، محمدرحیم، نادری، مهدی (۱۴۰۴). تحلیل ساختاری ساخت جامعه مطلوب اسلامی بر اساس جریان حلقات میانی مردم‌پایه. مطالعات راهبردی دفاع ملی، ۹ (۳۳)، ۳۴۱-۳۶۸.
- امیدی، مهدی، محسنی، حمید (۲۰۲۳). مشروعیت‌بخشی تبعی مردم در حکومت اسلامی و پیامدهای تمدنی آن از منظر مقام معظم رهبری. مطالعات سیاسی تمدن نوین اسلامی، ۳ (۵)، ۸-۳۲.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۹۳). دولت و استعاره امانت در مردم‌سالاری دینی. مطالعات راهبردی، ۱۷ (۶۴)، ۷-۳۴.
- ترابی کلانه قاضی، علی (۱۴۰۰). واکاوی نقش‌های مردم در حکمرانی از دیدگاه امام علی علیه‌السلام. حکمرانی متعالی، ۲ (۸)، ۱۷۴-۲۰۵.
- توحیدی، امین، ذوعلم، علی (۱۳۹۸). بررسی جایگاه تمدن نوین اسلامی در نقشه مهندسی فرهنگی کشور. رشد آموزش علوم اجتماعی، ۳۲ (۲)، ۴۱-۴۸.
- جبرائیلی، سید یاسر (۱۴۰۳). شاخص‌های اسلامیت و جمهوریت در تعیین آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبر جمهوری اسلامی. جستارهای سیاسی معاصر، ۱۵ (۴)، ۷-۳۴.
- جوادیان فرد، سعید، کوهی، احمد (۱۴۰۴). نظام مسائل لایه‌ای علی نقش مردم در حکمرانی جمهوری اسلامی ایران و ارائه سیاست‌های پیشنهادی مبتنی بر الگوی حکمرانی مردمی. گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- حسینی خامنه‌ای، سید مجتبی (۱۴۰۴ الف). اولین پیام حضرت آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی. مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۲۱.
- حسینی خامنه‌ای، سید مجتبی (۱۴۰۴ ب). پیام نوروزی رهبر انقلاب به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۵. مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۲۹.
- حسینی خامنه‌ای، سید مجتبی (۱۴۰۵). پیام حضرت آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای به مناسبت چهلمین روز شهادت قائد عظم الشان انقلاب اسلامی (قدس الله نفسه الزکیه). مورخ ۱۴۰۵/۰۱/۲۰.
- حق‌منش، رسول (۱۴۰۴). حاکمیت مردم در اسلام و قانون اساسی: الگویی نوظهور یا چالشی بنیادین؟ مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، ۱۰ (۷۱)، ۲۷۵-۲۸۶.
- دلیلی، شهاب (۱۳۹۳). طراحی الگوی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی مردم‌سالاری دینی در مقایسه با الگوی لیبرال دموکراسی. سیاست، ۳ (۳)، ۸۱-۹۵.
- ربیعی، سینا، سیاوشی، مهدی (۱۴۰۱). صورت‌بندی مفهومی حلقه‌های میانی مبتنی بر تجربه جمهوری اسلامی ایران. دولت پژوهی ایران معاصر، ۸ (۴)، ۱۳۳-۱۷۱.
- رحیمیان، محمد، کشاورز شکری، عباس، ترابی، یوسف (۱۳۹۷). بررسی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در بیانات مقام معظم رهبری و نقش آن در تمدن‌سازی نوین اسلامی. مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۱ (۲)، ۱-۲۴.



رشیدی آل هاشم، سیدمحمدرضا، صبوری، پرویز، رادمهر، محسن (۱۴۰۳). بررسی نقش مشارکت اجتماعی بسیج در شکل گیری تمدن نوین اسلامی. مطالعات سیاسی تمدن نوین اسلامی، ۴(۸)، ۱۸۰-۲۱۷.

روحی، عباداله، و بالوی، مهدی (۱۴۰۴). ظرفیت‌های مواجهه با فساد سیاسی در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران در پرتو مؤلفه‌های مردم‌سالاری دینی. پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۱۵(۵۶)، ۱۱۷-۱۴۰.

شریعتمداری، احمد (۱۳۹۳). مبانی انسان‌شناختی مشارکت سیاسی در نظام‌های مردم‌سالاری دینی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه امام صادق (ع).

شیخی، سینا (۱۴۰۲). موانع حکمرانی مردمی راهکارهایی برای ارتقای نقش مردم در حکمرانی. خردورزی، ۳(۲)، ۹۹-۱۰۳.

صادقی نقدعلی، زهرا، محمودرضا، رهبرقازی (۱۴۰۲). جایگاه مردم در حکمرانی مطلوب اسلامی ایرانی در اندیشه‌های سیاسی مقام معظم رهبری. همایش ملی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۵۱۴-۵۲۶.

قاسمی، بهزاد (۱۴۰۰). تحلیل تجارب موفق در حوزه حکمرانی مردم‌پایه استکبارستیزی ملت ایران از پیروزی تا گام دوم انقلاب اسلامی. حکمرانی متعالی، ۲(۸)، ۴۷-۶۷.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

قیلاوی زاده، ناصر (۱۴۰۲). مبانی حکمرانی مردم‌پایه از منظر امام خمینی با تأکید بر حوزه آموزش. مطالعات میان رشته ای تمدنی انقلاب اسلامی، ۲(۷)، ۵۷-۸۳.

محمدی، اکبر (۱۴۰۴). از چیستی مردم تا نهادمندی حکمرانی مردمی با تأکید بر تجربه انقلاب اسلامی. گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

محمودپناهی، سیدمحمدرضا (۱۴۰۲). الگوی جامعه‌پردازی نظام مردم‌سالاری دینی بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. فصلنامه راهبرد سیاسی، ۷(۳)، ۹-۳۲.

محمودی، ابوالقاسم، حبیبی، علی، جمراسی، داوود (۱۴۰۰). نقش مشارکت مردم در تحول حکمرانی. حکمرانی متعالی، ۲(۸)، ۳۱-۴۶.

معمار، رحمت الله (۱۳۸۶). بررسی تطبیقی نظریه‌های «لیبرال دموکراسی» و «مردم‌سالاری دینی» از منظر امام خمینی(س). پژوهشنامه متین، ۱۰(۳۸)، ۹۷-۱۲۲.

نقیبی، سیدابوالقاسم (۱۳۹۷). مردم‌سالاری دینی و تمدن نوین اسلامی. فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۱(۲)، ۱۱۴-۱۳۲.

هاشمی، خدیجه، دشتی، فاطمه (۱۴۰۳). نگاهی به پیشینه و ظرفیت مردم‌سالاری دینی و نقش آن در تحقق تمدن نوین اسلامی و ایران ۱۴۱۴. پژوهشنامه تاریخ سیاست و رسانه، ۷(۱)، ۶۹-۹۰.

Corbin, J., & Strauss, A. (2008). Basics of qualitative research (3rd ed.): Techniques and procedures for developing grounded theory. SAGE Publications, Inc., <https://doi.org/10.4135/9781452230153>.